



doi 10.22059/jis.2022.345059.1126

Research Paper

Sanai research history in Afghanistan

Roohollah Hadi¹ | Mohammad Sarwar Mawlaie² | Siddiqullah Kalakani³✉

1. Associate Prof., Department Persian Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rhadi@ut.ac.ir
2. Prof., Department of Persian literature, and member of the Academy of Persian language and literature, Tehran, Iran. Email: dr.ms.mawlaie@gmail.com
3. Corresponding Author; Ph.D., Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: kalakani@ut.ac.ir

Article Info.

Abstract

Received:
2022/06/27

Accepted:
2022/10/01

Keywords:

Sanai,
Sanai Research,
Sanai's books,
Sanai Life,
Afghanistan.

Abstract Sanai's has a special place in both Dari/Persian poetry history and the changes he made in terms of content, especially erfān, wisdom and advice, and according to Sanai scholars, Persian poetry in ghazal and qasida owe it to Sanai to this day. Unfortunately, Hakim Sanai did not receive the attention he deserved in Iran and Afghanistan until the fourteenth century for several reasons, except for the publication of Divan, Masnawi, and Sanai's biography. Some new and serious research on Sanai is conducted in recent decades through independent writings and research and master's and doctoral dissertations, especially in Iran.

Sanai-ology research in Afghanistan is similar in some respects to what has been done in Iran. Ranging from writing general, thematic, and specific articles to editing and publishing his works, to explaining some of Hakim Ghaznawi's Masnavi such as Sairul-Ebaad to Hadiqah and writing independent books about his life; works, thoughts, circumstances and answering controversial questions among scholars and critics of the works in Iran and the use of research and studies by Iranian scholars; knowledge on these and the findings of Sanai scholars in Afghanistan can provide a broader horizon for Sanai scholars. The culmination of Sanai studies in Afghanistan is the holding of a conference on the 900th anniversary of Sanai, in which valuable research such as the description of Sir al-Ebbad, the correction of Hadiqah, and the writing of research articles on Sanai and his works have been conducted. In the last two decades, the description of about a thousand verses of Hadiqatul haqiqah done by professor Ab. Ahad ashtrati is, among other things, a better example that will follow In this article, an attempt has been made to review and critic the research findings of the scho.

How To Cite: Hadi, Roohollah; Mawlaie, Mohammad Sarwar; Kalakani, Siddiqullah (2023). Sanai research history in Afghanistan. *Journal of Iranian Studies*, 13 (4), 23-50.

Publisher: The University of Tehran Press.





فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی

دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، ۲۳-۵۰



مقاله علمی - پژوهشی

کارنامه سنایی پژوهی در افغانستان

روح‌الله هادی^۱ | محمدسرور مولایی^۲ | صدیق‌الله کلکانی^۳ ✉

۱. دانشیار، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rhadi@ut.ac.ir

۲. استاد زبان فارسی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی. رایانامه: dr.ms.mawlaie@gmail.com

۳. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته مقطع دکتری، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: s.kalakani@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

جایگاه سنایی در تاریخ شعر فارسی دری و تغییرهایی که او از لحاظ محتوا به‌ویژه عرفان، حکمت و پند و اندرز وارد کرد، ویژه است و به باور سنایی‌شناسان شعر فارسی در قصیده و غزل تا امروز وامدار سنایی است. به دلایل گوناگون، که از مهم‌ترین آن‌ها باید به محدودیت چاپ و نبود روش‌های تحقیق اشاره کرد، تا سده چهاردهم به حکیم سنایی در ایران و افغانستان توجهی که شایسته جایگاه او بوده نشده است و میراث ادبی‌اش تنها آثار اوست که به شکل نسخه‌های خطی باقی مانده یا اطلاعاتی است که در آثار تاریخی و ادبی نقل شده است. تحقیقات جدی و جدید درباره سنایی بازمی‌گردد به دهه‌های اخیر که به‌ویژه در ایران با تألیفات و پژوهش‌های مستقل و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، جلوه و رونق بی‌سابقه‌ای یافته است. پژوهش‌های سنایی‌شناسی در افغانستان، که پاره‌ای از آن‌ها با آنچه در ایران انجام شده مشترک است، عرصه‌های ذیل را دربر می‌گیرد:

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۷/۰۹

واژه‌های کلیدی:

سنایی،

سنایی‌پژوهی،

آثار سنایی،

زندگی سنایی،

افغانستان.

الف) مقاله‌های کلی یا موضوعی درباره سنایی و آثارش

ب) تصحیح و چاپ آثار سنایی

ج) شرح مثنوی‌های سنایی مانند *سیرالعباد* و *حدیقه‌الحقیقه*

د) نقد پژوهش‌های انجام‌شده در افغانستان و سرزمین‌های دیگر

اوج سنایی‌شناسی در افغانستان برگزاری همایش نهمین سالروز سنایی است که در سال ۱۳۵۶ ش برگزار شده و در آن تحقیقات ارزشمندی مانند شرح *سیرالعباد*، تصحیح *حدیقه* و نوشتن مقاله‌های پژوهشی درباره سنایی و آثارش انجام شده است. از درخشان‌ترین این پژوهش‌ها مقدمه استاد مجروح است که در مقدمه *سیرالعباد* آمده است. کار ارزشمند دیگر شرح حدود هزار بیت از *حدیقه‌الحقیقه* است که به دست استاد عبدالاحد عشرتی صورت پذیرفته است.

آگاهی از پژوهش‌های انجام‌شده در افغانستان می‌تواند افق بازتری در پیش چشم پژوهشگرانی بگشاید که پس از این به مطالعه سنایی و آثار او می‌پردازند. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله، که برخاسته از رساله دکتری است، کوشیده‌ایم با روش مطالعات کتابخانه‌ای، سنایی پژوهی در افغانستان را بکاوییم و نکات تازه درباره سنایی، یافته‌های پژوهشگران و مسائل و موضوعات مطرح در مقالات و آثار آنان را شناسایی، نقد و تحلیل کنیم.

استناد به این مقاله: هادی، روح‌الله؛ مولایی، محمدسرور؛ کلکانی، صدیق‌الله (۱۴۰۲). کارنامه سنایی پژوهی در افغانستان. فصلنامه پژوهش‌های ایرانشناسی، ۱۳ (۴)، ۲۳-۵۰.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

حکیم سنایی یکی از شاعران دوران‌ساز^۱ (کدکنی، ۱۳۸۵: ۹) و بنام زبان و ادب فارسی است. وی جایگاهی ویژه در زندگی و بعد از وفاتش در میان شاعران فارسی و تازی دارد (یاری گلدره، ۱۳۹۲: ۱۴۲). این جایگاه و شهرت هم از انقلابی سرچشمه می‌گیرد که وی در حوزه‌های گوناگون شعر ایجاد کرده است (همان: ۱۴۲)، به همین سبب شعر او را نماینده یکی از مراحل تکامل شعر عرفانی فارسی می‌دانند (کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۱). بنابراین، شناخت یک مرحله شعر عرفانی، بدون شناخت حکیم سنایی ناقص خواهد بود، زیرا، به قول غالب، سنایی بنیان‌گذار شعر عرفانی است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۴: ۲۵) یا: قبل از سنایی هم عرفان در متون ادبی دیده می‌شود، ولی سنایی به آن تشخص سبکی داد (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۹۵). در این مقاله، ضمن معرفی آثار پدیدآمده در افغانستان و پرداختن به نقد آن‌ها، می‌کوشیم به پرسش‌های از این دست پاسخ دهیم.

الف) سنایی پژوهی در افغانستان از چه دستی بوده و چه سیری داشته است؟

ب) آگاهی سنایی‌شناسان ایرانی از سنایی پژوهی در افغانستان و توجه سنایی‌پژوهان افغانستان به تحقیق‌های ایرانیان چه مراحل داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

سنایی پژوهی در افغانستان، از نگارش نخستین کتاب تا سالیان اخیر که گستره‌ای در حدود نود سال را دربر می‌گیرد، فراز و فرودهایی داشته است. با این حال، در این فاصله زمانی بیش از ۴۰ مقاله و ۲۷ کتاب نگاشته و تألیف شده است که از نظر موضوعی مسائل مربوط به زندگی‌نامه تا افکار و چاپ آثار و نقد افکار و جهان‌بینی و شعر و شاعری و دانش‌ها و آگاهی‌های سنایی و سفرها و نقد آرا و افکار دیگر سنایی‌پژوهان را دربر می‌گیرد. تا حال، اثری مستقل که در آن مسائل و موضوعات سنایی پژوهی نقد و بررسی شده باشد در افغانستان وجود ندارد. بنابراین، مقاله حاضر نخستین گام در راستای نقد و بررسی تاریخی و محتوایی سنایی پژوهی در افغانستان شمرده می‌شود که براساس رساله‌ای فراهم شده که در همین باب نوشته شده است.

۳. فراز و فرود تاریخی جریان سنایی‌شناسی در افغانستان

سنایی‌شناسی در دهه دوم قرن چهاردهم خورشیدی با نخستین پژوهش تحقیقی، که «احوال و آثار حکیم سنایی» نام دارد، به قلم استاد خلیل‌الله خلیلی در سال ۱۳۱۵ نگاشته شده است، آغاز می‌شود. یک نیم‌دهه بعد، در سال ۱۳۳۲، غلام‌جیلانی جلالی «چهار اثر نایاب سنایی» (عقل‌نامه، عشق‌نامه، بهرام و بهروز و کارنامه بلخ) را ضمن تصحیح، مقدمه مبسوطی نیز بر آن نوشته است. استاد غلامرضا

مایل هروری ضمن نوشتن مقدمه کوتاه، «متن سیرالعباد الی‌المعاد و سیرالنفس امام فخرالدین رازی» را در ۱۳۴۴ منتشر کرد. «تأثیر قرآن کریم در دیوان سنایی» را استاد غلام‌صفر پنجشیری در ۱۳۴۶ نوشته است. در ۱۳۵۶ ش برای نخستین بار است که به همت دکتر نوین، وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان، دوره جمهوری محمد داؤود، همایش نهمین سالروز میلاد حکیم سنایی به سویه بین‌المللی برگزار می‌شود. در این همایش، از کشورهای فارسی‌زبان هم‌فرهنگ منطقه و بیشتر کشورهای غیر فارسی‌زبان عرفان دوست جهان دانشمندان اشتراک کرده بودند. آن همایش نقطه عطفی در سنایی‌پژوهی به شمار می‌رود، چه در آن سال و آن همایش مقالات علمی و تحقیقی بسیاری قرائت شد و فضای تازه‌ای برای پژوهش‌های سنایی‌شناسی گشوده شد. خوشبختانه، تعداد بیست مقاله از آن مقاله‌ها و چند کتاب مانند حکیم سنایی و جهان‌بینی او تألیف و تحقیق استاد همایون، سیری در ملک سنایی از علی‌اصغر بشیر، تحقیق در متن سیرالعباد الی‌المعاد و سیرالنفس از استاد غلامرضا مایل‌هروری و گزیده حدیقه از سوی استاد عبدالحی حبیبی در دست است.

چنان که می‌دانیم پس از سال ۱۳۵۶، یعنی درست در هفتم ثور/ اردیبهشت نظام جمهوری با کودتای کمونیستی برافتاد و پس از آن کشور به اشغال ارتش شوروی درآمد و بسیاری از امورات اساسی کشور تحت تأثیر جنگ و اشغال مختل شد و شمار زیادی از دانشمندان و محققان ناپدید یا آواره شدند. دنباله این جنگ‌ها و کشمکش‌ها تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافت و پس از آن، یعنی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۹۹)، که آرامشی در کشور پدید آمد و دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی پژوهشی دوباره آغاز به کار کردند، سنایی‌پژوهی جانی تازه گرفت، کتاب‌ها و مقالات علمی متعددی با راه و روش‌های نوین نگاشته و تألیف شد که از جهاتی بر بخشی از پژوهش‌های پیشین برتری دارد. در ادامه از آن آثار فشرده یاد می‌کنیم.

مجله خراسان/ ارگان بخش زبان و ادبیات فارسی دری آکادمی علوم افغانستان، ۲۳ مقاله علمی پژوهشی از استادان و دانشمندان سنایی‌شناس را در ویژه‌نامه سنایی در ۱۳۸۷ به سنایی‌دوستان نشر کرده است. در همین سال، آقای سیدعلی‌شاه روستایار رساله علمی خود را زیر عنوان «جهان بی‌انتها» در ۴۵۷ صفحه نوشته و این رساله گسترده‌ترین پژوهش پیرامون سنایی پس از سال ۱۳۵۶ است. استاد قویم «مجموعه مقاله‌ها در زمینه شعر عرفانی...» را در سال ۱۳۸۹ نوشته است که از هفده مقاله این مجموعه چهار مقاله‌اش به سنایی و آثارش اختصاص دارد. بعد نیز آقای روستایار در سال ۱۳۹۲ رساله پژوهشی خود را زیر عنوان «حدیقه و مثنوی» (نگرشی مقایسه‌ای بر حدیقه و مثنوی) در ۶۶۷ صفحه نوشته است. شرح حدیقه اثر بزرگ و ارزشمند دیگری است که توسط استاد عبدالاحد عشرتی غزنوی شرح شده و از میان جلسه‌های درس استاد عشرتی مکتوب شده است. این کتاب، که شرح حدود ۱۰۰ بیت از حدیقه را دربر می‌گیرد، در سه جلد - جلد اول ۴۸۵ صفحه، جلد دوم ۲۵۹ صفحه در سال

۱۳۹۶ و جلد سوم در ۴۱۷ صفحه در ۱۳۹۸ - منتشر شده است. این اثر تا اکنون از ارزشمندترین شرح‌های حدیقه به حساب می‌آید. ظاهراً آخرین رساله درباره سنایی از محمدافسر رهبین، شاعر و پژوهشگر افغانستان، که تاکنون چاپ نشده، زیر عنوان «دگرگونی‌های غزل در اندیشگاه سنایی» است. توضیح تاریخی آثار تولیدشده درباره سنایی را در جدول ۱ با ترتیب زمانی پنج سال مشاهده می‌کنید.

جدول ۱. توضیح زمانی کتاب‌ها و مقاله‌ها

زمان	تعداد کتاب‌ها و مقاله‌ها			درصد
	مقاله‌ها			
	مقاله	کتاب	مجموعه	
۱۳۲۰-۱۳۱۵	۰	۱	۱	۰/۰۱۴
۱۳۲۶-۱۳۲۱	۰	۰	۰	
۱۳۳۲-۱۳۲۷	۰	۱	۱	۰/۰۱۴
۱۳۳۸-۱۳۳۳	۱	۰	۱	۰/۰۱۴
۱۳۴۴-۱۳۳۹	۰	۱	۱	۰/۰۱۴
۱۳۵۰-۱۳۴۵	۰	۰	۰	
۱۳۵۶-۱۳۵۱	۲۲	۷	۲۹	۰/۳۹۷
۱۳۶۲-۱۳۵۷	۲	۰	۲	۰/۰۲۸
۱۳۶۸-۱۳۶۳	۰	۰	۰	
۱۳۷۴-۱۳۶۹	۱	۱	۲	۰/۰۲۸
۱۳۸۰-۱۳۷۵	۰	۰	۰	
۱۳۸۶-۱۳۸۱	۵	۲	۷	۰/۰۹۶
۱۳۹۲-۱۳۸۷	۱۵	۷	۲۲	۰/۳۰
۱۳۹۸-۱۳۹۳	۰	۷	۷	۰/۰۹۶
مجموع کل	۴۶	۲۷	۷۳	۱

۴. دوره‌های سنایی پژوهی در افغانستان

با توجه به ویژگی‌های کمی و کیفی، صوری و محتوایی و گونه‌های بهره‌مندی از منابع و مأخذ، سنایی پژوهی را در افغانستان به سه دوره متمایز می‌توان تقسیم کرد.

دوره نخست از ۱۳۱۵-۱۳۵۶ را دربر دارد. دانشمندان این دوره بهترین آثار پژوهشی را نگاشته‌اند. در این سال‌ها، سنایی پژوهان از چند منبع محدود چاپ ایران مانند *تاریخ ادبیات ایران* از دکتر رضازاده شفق، *منتخبات تاریخ ادبیات ایران* از استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر و آثار تصحیح‌شده سنایی توسط استاد مدرس رضوی استفاده کرده‌اند و منابع عمده پژوهشی مورد استفاده ایشان را تذکره‌های قدیمی و قاموس‌های لغت مانند: *تذکره دولت‌شاه*، *تذکره والّه داغستانی*، *کشف‌الظنون حاج خلیفه*، *معجم‌البلدان* یاقوت حموی، *فرهنگ جهانگیری*، *فرهنگ اندراج*، *قاموس‌الاعلام شمس‌الدین سامی* و *مجله کابل*، *قاموس افغانی* تشکیل می‌داد. در این مقطع زمانی، علوم انسانی و ادبیات، به‌ویژه سنایی پژوهی در افغانستان، مورد توجه کشورهای منطقه قرار گرفته بود. در برخی پژوهش‌های سنایی‌شناسی در ایران، از منابع این دوره استفاده شده است. حتی استاد مدرس رضوی در تصحیح و چاپ دیوان سنایی، بیست غزل سنایی را از مقاله «گزارش یک نسخه کهن سال کلیات سنایی» نقل کرده است.

دوره دوم از ۱۳۵۷-۱۳۷۹ را باید دوره کودتا، تجاوز روس، آغاز جهاد و جنگ داخلی و زمان نابودی همه چیز یا: دوره فترت سنایی‌شناسی نامید و در این مقطع زمانی ما فقط چهار اثر—سه مقاله و یک رساله— درباره سنایی داریم.

دوره سوم از ۱۳۸۰-۱۳۹۹ را دربر دارد. در این برهه زمانی، مانند دوره نخست، آثار تحقیقی بیشتر درباره سنایی داریم که منابع این پژوهش‌ها را آثار تحقیقی دوره اول و ایرانی و به‌ندرت ترجمه از زبان‌های خارجی تشکیل داده است. یک نکته را نیز باید افزود که آثار دوره سوم از نظر ساختار پژوهشی و اصول تحقیق بهتر از سال‌های دوره نخست است و اما از نظر محتوا و کشف نکات بکر مانند آثار دوره اول نیست. بیشتر رساله‌ها تألیفی است.

پس از ۱۳۵۶/۱۹۷۷ توجه پژوهندگان ایران به پژوهش‌های ادبی پدیدآمده در افغانستان کم شده است. از نظر این قلم، علت‌های بی‌توجهی دانشمندان ایرانی به آثار نوشته‌شده در افغانستان این‌هاست: عدم رابطه جمهوری اسلامی ایران و دانشمندان آن سامان با دولت حزب خلق افغانستان و فرهنگیان آن زمان افغانستان، از میان رفتن مراکز علمی و کتابخانه‌ها، فقدان تولید اثر بکر آن هم به سبب تجاوز شوروی، هجرت دانشمندان دوره نخست، مهاجرت پس از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ و نبود امکانات تحقیق در دیار هجرت. از سوی دیگر آنچه ذکر گردید سبب شد نسل پس از کودتا (۱۳۵۷-۱۳۷۱) تا امروز نتوانند مانند نسل پیش از کودتا بار بیابند و رشته کارهای تحقیقی که قبل از کودتا آغاز شده بود پاره شود. در چهل سال جنگ خانمان سوز هم سبب شکسته و پیمان‌ریخته شده بود، زیرا در ترس و گریز فکر تولید نمی‌شود، اندیشه به زمین و زمینه به ثبات و مکان نیاز دارد و ما هرگز آن را نداشتیم.

۵. مسائل و موضوع‌های مورد توجه سنایی پژوهان افغانستان

از بررسی آثار سنایی‌شناسان افغانستان این‌طور به نظر می‌رسد که پژوهش‌های سنایی‌شناسی در افغانستان روی موارد تحقیقی ذیل تمرکز داشته است.

۵.۱. زندگی‌نامه سنایی

عمده‌ترین مسائل درباره احوال حکیم سنایی در آثار سنایی‌پژوهان شامل نام، کنیت، تخلص، دانش‌ها و آموخته‌ها، سفرها، توقف‌های او در شهرهای مختلف، دیدارهای او با مشایخ و پیران، خانواده و فرزندان حکیم، تغییر حال او و بحث پیر سنایی می‌شود.

۵.۱.۱. لقب سنایی

درباره کنیت، تخلص و لقب سنایی همه اتفاق نظر دارند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۷؛ جلالی، ۱۳۳۲: ج؛ بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۶؛ همایون، ۱۳۸۹: ۲۶؛ روستایار، ۱۳۸۷: ۷۱؛ شریفی، ۱۳۸۷: ۸)، اما درباره نام، پیر، تغییر حال و همچنان سال درگذشت او اختلاف نظر است. ظاهراً اول بار احمد آتش، دانشمند ترک، با استنباط از یک شعر سنایی به آن اشاره کرده و نام او را «حسن» گفته است. در ایران استاد فروزانفر، سعید نفیسی و مظاهر مصفا بر آن‌اند که حکیم سنایی اصلاً حسن نام داشته و بعدها به محدود مشهور شده است (بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۴). در میان سنایی‌شناسان افغانستان، نخستین ردکننده اسم «حسن» استاد خلیلی است و پس از او دیگران با اختلاف در عبارات آن را رد کرده‌اند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۷؛ جلالی، ۱۳۳۲: ج؛ بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۶). استاد همایون و روستایار اسم «حسن» را پذیرفته‌اند (همایون، ۱۳۸۹: ۲۸؛ روستایار، ۱۳۸۷: ۷۵).

۵.۱.۲. تحول سنایی

معروف‌ترین داستان درباره تغییر حال سنایی، که نخست‌بار در تذکره دولت‌شاه (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۹۵) آمده است، مربوط می‌شود به قصه سنایی و دیدار با خواجه لایخوار و در درجه دوم قصه بچه قصاب که نخست‌بار این قصه در *مجالس العشاق* آمده است (بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۳۸). برخی سنایی‌پژوهان، مانند غلام‌جیلانی، محمدافضل بنووال، تاج‌محمد زریب و احمد آتش قصه لایخوار را پذیرفته و تغییر حال سنایی را به آن دیدار و گفت‌وگو نسبت داده‌اند (جلالی، ۱۳۳۲: ص، ر؛ آتش، ۱۳۵۵: ۴۴؛ اختر، ۱۳۹۱: ۳۹؛ بنووال، ۱۳۹۶: ۲۰). بیشتر سنایی‌پژوهان قصه لایخوار و بچه قصاب را رد و نقد کرده‌اند (بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۳۷؛ همایون، ۱۳۸۹: ۴۸، ۵۵؛ مایل‌هروی، ۱۳۹۱: ۲۲؛ مکاتیب، ۱۳۵۶: ط، ج؛ بختانی، ۱۳۶۱: ۱۱۵). استاد خلیلی فقط قصه لایخوار را روایت کرده است و روستایار در مقاله «تحول فکری سنایی» قصه لایخوار و بچه قصاب را می‌آورد؛ اما تبصره‌ای در این مورد ندارد (روستایار، ۱۳۸۷: ۷۷).

۵.۱.۳. پیر و مراد سنایی

مسئله پیر سنایی که بیشتر سنایی پژوهان به دلیل اشارت دولتشاه (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۹۵) یا جامی در *تفحات/الانس* (روستایار، ۱۳۸۷: ۸۸) او را مرید خواجه یوسف همدانی دانسته‌اند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۱۶؛ جلالی، ۱۳۳۲: ۳؛ همایون، ۱۳۸۹: ۲۴۴؛ آتش، ۱۳۵۵: ۴۵؛ اختر، ۱۳۹۱: ۳۹؛ بنووال، ۱۳۹۶: ۲۰)، اما تنها کسی که در این مورد تشکیک کرده است بشیرهروی است (بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۴۲) و پس از بشیر، روستایار این شک را درباره پیر سنایی دارد (روستار، ۱۳۸۷: ۱۰۷). سنایی پژوهان ایرانی نیز اکثراً خواجه یوسف همدانی را پیر سنایی دانسته‌اند و از میان آنان دکتر محمدامین ریاحی در مقدمه *رتبه/الحیات* خواجه یوسف همدانی، پیر سنایی بودن او را رد کرده است، ولی کسی دیگر را نیز معرفی نکرده است. بالاخره در مقاله‌ای استاد مولایی ثابت کرده است که پیر سنایی امام ابویعقوب یوسف بن احمد بن محمد حدادی شالنگی یا پسرش ابوالمعالی احمد بن یوسف بن احمد است (مولایی، ۱۳۹۲: ۳۱۳). در عنوان نکته‌ها بحث پیر سنایی دوباره آمده است.

۵.۱.۴. سفرهای سنایی

سفرها و ملاقات‌های سنایی را سنایی پژوهان افغانستان با اندک اختلاف چنین روایت کرده‌اند: آغاز سفر سنایی در جوانی از غزنی به طرف بلخ صورت گرفته و در بلخ تا برهم خوردن روابط وی با اسعدی هروی مدت زیادی اقامت داشته است، سپس به سفر حج رفته است و بعد به شهرهای خراسان مانند مرو، نیشاپور، هرات، سرخس چند بار رفت و آمد کرده است و در همین سفرها بوده است که در نیشاپور به شاگردش تهمت دزدی می‌زنند و او در این مورد با عمر خیام مکاتبه می‌کند. در شهرهای خراسان، با عالمان و فقها و صوفیان، خصوصاً در سرخس با ابوالمفاخر محمد بن منصور و کسانی که در خانقاه وی آمد و شد داشتند دیدار داشته و بهره برده است. سنایی‌شناسان افغانستان برگشت سنایی را به غزنی در سال ۵۱۸ احتمال می‌دهند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۲۶؛ جلالی، ۱۳۳۲: ۳؛ ز، بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۳۰؛ همایون، ۱۳۸۹: ۵۸؛ روستایار، ۱۳۸۷: ۸۶؛ شریفی، ۱۳۸۷: ۸). تنها محقق ترک، احمد آتش، رفتن سنایی را از بلخ سال ۵۰۵ و بازگشت وی را به غزنه در سال ۵۲۱ می‌داند (آتش، ۱۳۵۵: ۴۴؛ مکاتب، ۱۳۵۶: د).

۵.۱.۵. وفات سنایی

بیشتر سنایی‌شناسان افغانستان تاریخ وفات سنایی را ۵۴۵ دانند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۷۰؛ جلالی، ۱۳۳۲: ف؛ همایون، ۱۳۷۹: ۲۱، ۲۴، ۷۳، ۷۵؛ مکاتب، ۱۳۵۶: ۱۳؛ یا؛ نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸؛ روستار، ۱۳۸۷: ۹۷). برخی سال‌های دیگر را پذیرفته‌اند: ۵۲۹ (بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۳۳؛ خلیلی، ۱۳۳۸: ۱۸) و تعدادی ۵۳۵ (بنووال،

۱۳۹۶: ۲۰). بو او تاس^۱ ضمن ذکر سال‌های یادشده، گوید که اروپایی‌ها ۵۲۵ را می‌پذیرند و خودش نظر ندارد (نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۹-۲۲۴).

۵.۱.۶. دانش‌های سنایی

درباره دانش سنایی، سنایی‌پژوهان با تفاوت اندک چنین گفته‌اند: سنایی در علوم حکمت و فلسفه و علم کلام استاد بوده و تفسیر و حدیث و علوم ادبیه و شعر عرب و پزشکی می‌دانسته است (خلیلی، ۱۳۱۵: ۲۱-۲۳؛ جلالی، ۱۳۳۲: ط؛ بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۴۴، ۱۱۴، ۱۱۶؛ پروانی، ۱۳۷۰: ۵۹). برخی گویند که سنایی علوم اسلامی و ادبی را نزد پدرش آموخته از دانش مطرح دوران وافر می‌دانسته است و از اسماعیل شنیزی و فضل‌بن یحیای هروی (عارف زرگر) به‌عنوان استاد خود یاد کرده است (مکاتیب، ۱۳۵۶: ط، ج؛ همایون، ۱۳۸۹: ۴۲، ۲۴۴، ۲۶۲؛ روستایار، ۱۳۸۷: ۷۹).

۵.۱.۷. شاعری سنایی

سبک شعری دوره نخست زندگی سنایی را سنایی‌پژوهان با اختلاف الفاظ بر بنیاد آگاهی سنایی از علوم و دانش‌های مرسوم زمانش فصیح و استوار چون قصاید فرخی و عنصری و مسعود سعد می‌دانند، اما سنایی را پس از تحول، بنا به تغییراتی که در محتوای شعر فارسی ایجاد کرد، صاحب سبکی ممتاز می‌شناسند که پسینان، از مولوی تا جامی، از وی پیروی کرده‌اند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۲۰، ۱۱۶؛ جلالی، ۱۳۳۲: ط؛ آتش، ۱۳۵۵: ۵۹؛ بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۱۲، ۹۷، ۹۹؛ روستایار، ۱۳۸۷: ۳۸۱؛ قویم، ۱۳۸۹: ۱۲). این بود جوهر مسائل مطرح در زندگی‌نامه سنایی که در آثار تولیدشده درباره سنایی از سال ۱۳۱۵-۱۳۹۹ آمده است. بیشتر سخنان را آقای جلالی از استاد خلیل الله خلیلی نقل کرده؛ اما تأکید جلالی به قصه لایخوار در پیوند به پذیرش تغییر سنایی از خودش است. استاد خلیلی ۵۴۵ را به‌عنوان سال وفات سنایی از میان سال‌های پیشنهادی قابل تأیید می‌دانت، ولی با نوشتن «درباره یک نسخه قدیم کلیات حکیم سنایی» در سال ۱۳۳۸، دیگر به سال ۵۴۵ پافشاری نکرد، چون در مقدمه آن نسخه وفات سنایی ۵۲۹ درج است (خلیلی، ۱۳۳۸: ۱۸). استاد خلیلی سنایی را استاد کلام و فلسفه داند که جای بحث مبسوط دارد. استاد سیدبهاء‌الدین مجروح در مقدمه *سیرالعباد* تصحیح استاد مایل هروی قصه لایخوار و بچه قصاب را حاصل ذهن شرقی می‌داند و تغییر سنایی را با بررسی آثارش تدریجی و او را ترکیبی از شاعر و حکیم و صوفی می‌داند. استاد خلیلی مسائل و موضوعات را در کمال ایجاز آورده است؛ منتها استاد همایون و استاد بشیرهروی هر مورد زندگی سنایی را با کمک شعر سنایی و منابع تاریخی مستند ساخته و با اضافه کردن

نکات جدید پیشکش کرده‌اند. حرف دیگر اینکه سنایی‌شناسان در دو دهه اخیر ضمن افزودن اندکی تحلیل از خود، همه مسائل و موضوعات درباره سنایی را از منابع قبلی اخذ کرده‌اند. هرکس موضوعات گذشته را از قلم خود روایت کرده است و گاهی دانشمندان ذکرشده زحمت بررسی و نقد منابع قبلی خود را از نظر منابع دست اول و دوم نکشیده‌اند، فقط موضوعات را از آن‌ها نقل کرده‌اند.

۲.۵. برخورد سنایی پژوهان با آثار سنایی

این عنوان ما دو بخش دارد: ۱. اثر یا آثاری که تصحیح یا شرح شده است، ۲. مطالعات سنایی پژوهان درباره آثار سنایی.

۲.۵.۱. آثار تصحیح و شرح شده سنایی

نخستین بار اثری از سنایی توسط غلام جیلانی جلالی زیر عنوان «چهار کتاب نایاب سنایی» (عشق‌نامه، عقل‌نامه، بهرام و بهروز، کارنامه بلخ) در ۱۳۳۲/۱۹۵۳ به اساس تک‌نسخه‌ای که نظر محمد شالیزی در اختیار داشته، تصحیح شده است. (جلالی، ۱۳۳۲: ۱-ب) پس از این، کار تصحیح حدیقه توسط استاد عبدالحی حبیبی آغاز شد، ۱۱۷۳ بیت آن به مناسبت نهمین سالروز سنایی در سال ۱۳۵۶ نشر شد، بعد کودتای هفت اردیبهشت ۱۳۵۷ به وقوع پیوست و این کار پیگیری نشد. حبیبی نسخه کابل را اساس قرار داده و با متن عبدالطیف و مدرس رضوی مقابله کرده، از حواشی هر دو استفاده کرده است و از نداشتن نسخه ۵۵۲ استانبول و نسخه ۷۵۸ بهاروی حدیقه برای تهیه یک متن انتقادی با فهارس، حواشی و تعلیقات اظهار نارضایتی کرده است (حبیبی، ۱۳۵۶: الف-ج). چنان‌که پیش از این اشاره شد، استاد عبدالاحد عشرتی غزنوی ۹۶۵ بیت حدیقه را مطابق نسخه کابل شرح و در سه جلد نشر کرده است. غلامرضا مایل‌هروی در سال ۱۳۵۶ متن *سیرالعباد* را ضمن نوشتن حواشی و مقدمه و آوردن مقاله استاد سیدبهاء‌الدین مجروح در آغاز، همراه با *سیرالنفوس عاقله* امام فخرالرازی و شرح گمنام *سیرالعباد* سنایی تصحیح و نشر کرده است. نسخه اساس وی نسخه وزارت اطلاعات فرهنگ است و با نسخه دست‌داشته خود و نسخه چاپ استاد نفیسی و استاد مدرس رضوی و نسخه استاد قاریزاده مقابله کرده است. (مایل‌هروی، ۱۳۹۱: ۱۱۸، ۱۲۸). جدول ۲ به گونه کوتاه احوال سنایی را می‌نماید.

۲.۵.۲. مطالعات سنایی پژوهان درباره آثار سنایی و آثار منسوب به سنایی

بیشتر سنایی‌شناسان آثار منسوب به سنایی مانند *عشق‌نامه*، *عقل‌نامه*، *بهرام و بهروز* و *سنایی‌آباد* را از سنایی دانند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۹۸؛ مصلح، ۱۳۸۷: ۱۸؛ رهبین، ۱۳۸۹: ۱۱؛ عشرتی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۷). درحالی‌که سه تن از محققان تیزبین ما - استاد همایون، علی اصغر بشیر و استاد روان فرهادی - در سال

۱۳۵۶ این آثار را از سنایی نمی‌دانند. جلالی رساله‌های ذیل را نیز به آثار سنایی اضافه کرده است: چمن و سوسن به نثر و غریب‌نامه، عفونامه، کنزالرموز (جلالی، ۱۳۳۲: م-س)؛ اما همه سنایی پژوهان افغانستان طریق‌التحقیق را از آثار مسلم سنایی دانند (خلیلی، ۱۳۱۵: ۹۸؛ جلالی، ۱۳۳۲: م-س) و نظر بو او تاس و احمد آتش را، که این مثنوی را از سنایی ندانند، در مقاله‌های خود و کتاب‌های خویش رد کرده‌اند (همایون، ۱۳۸۷: ۹۲؛ مکاتیب، ۱۳۵۶: ط؛ نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۶؛ بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۶۱).

کنزالرموز را استاد بشیرهروی یکی از اسم‌های سیرالعباد داند (هروی، ۱۳۵۶: ۷۹). برخی سنایی پژوهان گویند که سنایی هزار بیت را از حدیقه انتخاب کرده که به هزار بیت یا الاهی‌نامه شهرت دارد (جلالی، ۱۳۳۲: ط؛ مکاتیب، ۱۳۵۶: ط). غلام‌غوث عالمی در مقاله «ضرورت باز یافتن متن اصلی دیوان سنایی»، که به مناسبت نهمصدمین سالروز میلاد سنایی در ۱۳۵۶ نوشته است، گوید شاید اشعاری که عیب و نقص ندارد از شاعران قبلی است؛ اشعاری که عناد مذهبی در آن مطرح باشد و شعرهایی که حاوی عشق‌بازی نامناسب است از سنایی نیست (نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۱). به مناسبت ذکر شده سکارچپار در مقاله «خطاب به باد در آغاز سیرالعباد» گوید باد در سیرالعباد وسیله سفر روحانی و در مثنوی مولوی آتش است و در ادب فولکور فارسی خبردهنده است (نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۵). همچنان کریستوف بورگل در مقاله «علم نفس و علم نجوم در سیرالعباد» گوید که در سیرالعباد نظریه بطلمیوس و افلاطونیان جدید و روانشناسی قدیم مطرح است (نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۳). استاد عبدالقیوم قویم در «مجموعه مقاله‌ها در زمینه شعر عرفانی فارسی دری» مقدمه سیرالعباد را توضیح داده است و نیز سه تمثیل «فیل و خانه تاریک»، «زعفران و مرد لافزن» و «انتقاد ابله‌ی از کج بودن هیکل شتر» را از حدیقه شرح داده است (قویم، ۱۳۸۹: ۱۷).

استاد محمدحسین یمین زیر عنوان «اعداد و نمادها در سیرالعباد سنایی» برخی از اعداد رمزهای سیرالعباد را توضیح و شرح کرده است:

سیرالعباد پر از اشارات و رموز است به شمول عده‌ای از نمادها و رموز عددی، چنان‌که سنایی در این اثر خود فرموده است:

حجره‌ای پر ز دیو هفت‌سری / شش سو و چاربخشی پنج‌دری

اینجا «حجره» نماد «تن» است و «دیو» عبارت از «قوای روح حیوانی» و از عبارت‌های عددی: «هفت‌سری» نماد و اشارت است از «هفت اخلاق ذمیمه»، «شش سو» یعنی «شش جهت» (شمال، جنوب، شرق، غرب، بالا، پایین)؛ «چاربخشی» اشارت است به «چهار عنصر» (آب و باد و خاک و آتش) و «پنج‌دری» ایمازی است «از پنج حس» (بصره، سامعه، ذایقه، لامسه، شامه) (یمین، ۱۳۸۷: ۴۷).

استاد غلام‌صفدر پنجشیری در کتاب تأثیر قرآن در دیوان سنایی خویش به کاربردن آیات قرآن در دیوان را نقد کرده و مدعی است که چاپ‌های متعدد در خوانش متن اصلی دقت نکرده‌اند؛ مثلاً در بیت:

ای منزه ذات تو عما یقول الظالمون / گفت علمت جمله را مالم تکونوا تعلمون

این بیت در دیوان سنایی به تحقیق استاد مدرس رضوی به «مالم تکونوا تعلمون» ضبط شده است، ولی پس از تحقیق و مراجعه به قرآن کریم برمی‌آید که در این بیت حکیم سنایی «تعلمون» نگفته، بلکه «تعلمون» گفته است و این لفظ موافق آیات قرآن مجید است: «کما ارسلنا فیکم رسولاً منکم یتلوا علیکم آیتنا و یتذکرکم و یعلمکم الکتب و الحکمۃ و یعلمکم مالم تکونوا تعلمون» (بقره/ ۲) (پنجشیری، ۱۳۵۶: ۴۰). سیدعلی شاه روستایار در کتاب نگرش مقایسی بر حدیقه و مثنوی گوید: «شیوه بیان سنایی در حدیقه توضیحی و بیان مولوی در مثنوی تمثیلی است» (روستایار، ۱۳۹۲: ۲۰۶).

در انتهای این بخش باید گفت که استاد غلام جیلانی جلالی از میان چهار اثر سنایی که تصحیح کرده است، فقط کارنامه بلخ از سنایی است. سه اثر دیگر از آن سنایی نیست. اما ۶۹ سال قبل تعداد زیادی از دانشمندان می‌پنداشتند که مثنوی‌های ذکرشده از سنایی است. تصحیح و تحشیه‌نگاری سیرالعباد را در ۱۳۵۶ استاد مایل‌هروی انجام داده است و ۴۵ سال قبل این کتاب درباره سیرالعباد در منطقه مرجع بوده است. امروز هم بیشتر از وی کسی در مورد سیرالعباد سنایی سخنی نگفته است. برای توضیح بیشتر باید علاوه بر آنچه پیش از این گفتیم، یاد آور شد که نسخه اساس استاد مایل‌هروی نسخه کهن‌سالی است که استاد خلیلی آن را طی مقاله‌ای معرفی کرده که امروز به اسم نسخه کابل شهرت دارد و ۲۰ غزل بیشتر از دیگر نسخه‌ها دارد و استاد رضوی با استفاده از آن ۲۰ غزل را در دیوان سنایی چاپ خودش جای داده است.

شرحی را که استاد عشرتی غزنوی از ۹۶۵ بیت حدیقه در سه جلد چاپ کرده از بهترین شرح‌هایی است که تا حال از حدیقه ارائه شده است. ذهن عشرتی غزنوی آن قدر با قرآن مأنوس است که رابطه بیشتر بیت‌های شرح‌شده را با آیات قرآن آشکار می‌سازد و از سوی دیگر شروح دیگران را در بیتی ذکر می‌کند و موافقت و عدم موافقت به شرح دیگران را ضمن توضیح خود می‌گوید. هر کسی که این شرح را بخواند، درحقیقت شرح دیگران را نیز خوانده است. کاش شرح بقیه حدیقه ادامه بیاید و تمام حدیقه شرح شود. درباره عقل‌نامه، عشق‌نامه، سنایی‌آباد و بهرام و بهروز باید گفت که تنها شاه‌محمد مصلح، افسر رهبین و استاد عشرتی غزنوی در دهه گذشته آثار ذکرشده یا: آثار منسوب به سنایی را از سنایی دانند. در جدول ۲ آثار منسوب به سنایی مشاهده می‌شود.

جدول ۲. اهم مسائل و موضوع‌های مورد توجه سنایی پژوهان افغانستان

ردیف	کتاب / سال	نویسنده	دوره‌ها ی زندگی	درجه و مراحل عرفانی	پیرسنایی	وفات سنایی	نام حسن	طریق‌التحقیق	آثار منسوب	پذیرفتن قصه‌های لايخوار و بچه قصاب	موارد دیگر
۱	احوال و آثار سنایی / ۱۳۱۵	استاد خلیلی	دو مرحله	معتدل مبتنی بر شریعت	ابویعقوب یوسف همدانی	۵۴۵	نپذیرد	از سنایی داند	عقل‌نامه و عشق‌نامه و سنایی‌آباد و بهرام و بهروز	هر دو را نپذیرد	اخلاق سنایی تا جایی بود که از گرفتن خواهر بهرام‌شاه ابا ورزید.
۲	چهار اثر نایاب سنایی / ۱۳۳۲	غلام‌جیلانی جلال	دو مرحله	معتدل مبتنی بر شریعت	ابویوسف همدانی	۵۲۵ / ۵۴۵	نپذیرد	از سنایی داند	عقل‌نامه و عشق‌نامه و سنایی‌آباد و بهرام و بهروز	نپذیرد	نظر به استناد مقاله امان‌الله پروانه نام لایخوار خواجه احمد لایخوار است.
۳	سیرالعباد الی‌المعاد / ۱۳۵۶	غلامرضا مایل هروی	سه مرحله	تدریجی						هر دو را نپذیرد	قصه‌های درباره تغییر سنایی حاصل تفکر شرق است.
۴	سنایی و جهان‌بینی او / ۱۳۵۶	سرور همایون	دو مرحله	تدریجی و معتدل	ابویعقوب یوسف همدانی	۵۴۵	داند	از سنایی داند	یاد کرده است	هر دو را نپذیرد	آن حکیم در طریق‌التحقیق اشاره به مختاری غزنوی است.
۵	سیری در	علی‌اصغر	دو	تدریجی	نبودن وی در	۵۲۹	نپذیرد	از سنایی	عقل‌نامه و عشق‌نامه	هر دو را	تا حال داستان

	ملک سنایی / ۱۳۵۶	بشیر	مرحله	مبتنی بر شریعت	دوره سنایی		داند	را منسوب داند	نپذیرد	مجنوب لایخوار تثبیت زمانی و مکانی نشده است که آن را در تغییر حال سنایی پذیرفتنی بدانند.
۶	مکاتیب سنایی / ۱۳۵۶	مقدمه استادان افغانستان	دو مرحله	تدریجی	۵۴۵	نپذیرد	از سنایی داند	هر سه یاد کرده است، ولی نپذیرد	هر دو را افسانه دانند	نخستین بار گویا اعتمادی مکاتیب سنایی را در مجله آریانا نشر کرد.
۷	گزیده حدیقه / ۱۳۵۶	عبدالحی حبیبی			۵۴۵					
۸	آرا و اندیشه حکیم سنایی / ۱۳۹۶	عبدالجبار عابد	سه مرحله	دیدگاه دوقطبی	۵۲۵ / ۵۴۵	نپذیرد	از سنایی داند	هر سه را از سنایی داند	قصه لایخوار را پذیرد	گزارش مفصل از نهمصدمین سالروز تولد سنایی ارائه کرده است.
۹	جهان بی‌انتها / ۱۳۸۷	سیدعلی‌شا ه روستایار	دو مرحله	تدریجی مبتنی بر شریعت	۵۴۵	پذیرد				سه فصل مکمل در شناخت اندیشه سنایی در این کتاب آمده است.
۱۰	سیری در ادبیات	عبدالقیوم قویم			۵۲۵ / ۵۴۵				لایخوار ذکر کرده است	در غزل و قصیده در مضمون نوآورد است.

										عرفانی / ۱۳۹۱	
مولوی شعری از سنایی آورد یا بیتی را اساس قرار داده و شعرش را سرشته کرده است.	نقل لایخوار بی تبصره		برخی از سنایی نداند						محمدسلیم اختر	مولوی در راه سنایی / ۱۳۹۱	۱۱
بیان اصلی سنایی در پرداخت حدیقه توضیحی است و بیان تمثیلی فرعی، اما بیان مولوی برعکس آن در مثنوی						ذکر ابویعقوب یوسف باتردید	تصوف اعتدالی	دو مرحله	سیدعلی شاه روستایار	حدیقه و سنایی / ۱۳۹۲	۱۲
ادبیات فارسی را مالا مال از عطر گلاب تصوف کرد	لایخوار را پذیرد								محمدافضل بنووال	ادبیات عرفانی / ۱۳۹۶	۱۳
اسماعیل شنیزی، حسین قلمدار در شخصیت سنایی موثرند. این عربی و	هر دو را نپذیرد	هر سه را از سنایی داند	از سنایی داند		۵۴۵	ابویعقوب یوسف همدانی	تدریجی مبتنی بر شریعت و معتدل	چهار بعد	عبدالاحد عشرت غزنوی	شرح حدیقه / ۱۳۹۶	۱۴

مولوی در مدرسه مقدسیه ملاقات کرده‌اند.											
مقدمه ۷ صفحه به قلم سنایی است و ۲۰ غزل در آخر ذکر شده است.				۵۲۹ / ۵۴۵					خلیل‌الله خلیلی	یک نسخه قدیمی کلیات / ۱۳۳۸	۱۵
به امیر معزی سنایی مرثیه گفته ۵۲۲				۵۴۵					عبدالحی حبیبی	وفات سنایی / ۱۳۵۶	۱۶
مراد از زیبایی پرستی زیبایی خلقت است.	قصه بچه قصاص یاد کرده						تحول تدریجی	دو مرحله	غلام‌غوث عالمی	ضرورت یافتن متن دیوان / ۱۳۵۶	۱۷
کاربرد، واژه‌ها، تراکیب و اصطلاحات مانند حدیقه است			از سنایی داند						شاه علی‌اکبر شهرستانی	طریق‌التحقیق قی و آثار دیگر سنایی / ۱۳۵۶	۱۸
آن حکیم در اول این کتاب عثمان مختاری است.			از سنایی داند						سرور همایون	طریق‌التحقیق و سنایی / ۱۳۵۶	۱۹

			از سنایی نمی‌داند		۵۲۵/ ۵۲۹/ ۵۴۵				بو او تاس	وفات سنایی/ ۱۳۵۶	۲۰
طبیعی به اسم ابوالحسن بیماری روانی وی را درمان کرده است.		عشق‌نامه، عقل‌نامه و سنایی‌آباد	از سنایی نمی‌داند	تأیید		یوسف همدانی	حکیم، قلندر، عارف، زاهد	دو مرحله	احمد آتش / قیام راعی مترجم	سنایی/ ۱۳۵۵	۲۱
شخصیت متضاد وی بر بنیاد اجتماع نابرابر و متضاد شکل گرفته است.	قصه لایخوار را رد کرده						دارای مراحل تضاد	دو مرحله	عبدالله بختانی	انعکاس عصر و محیط در شعر سنایی/ ۱۳۶۱	۲۲
همه تاریخ‌های وفات سنایی را ذکر کرده است.	تنها هر دو را ذکر کرده است.	هرسه را منسوب داند	از سنایی نمی‌داند	یاد بدون تأیید	۵۲۹			دوره‌ها ی متناوب	فاضل شریفی	زیست‌نامه سنایی/ ۱۳۸۷	۲۳
انتخابی منتخب حدیقه		هرسه را از سنایی داند	از سنایی داند		۵۲۹خ ۵۴۵= ق				محمدشاه مصلح	تالیفات سنایی/ ۱۳۸۷	۲۴
با وجود فقر دانش را رها نکرد از دانش بهره کافی داشت.	همه را گفته و لایخوار را نپذیرد		تردید دارد			ابویعقوب یوسف همدانی	تحول تدریجی، اعتدال	دو مرحله	سیدعلی‌شاه روستایار	تحول فکری سنایی/ سنایی	۲۵

										۱۳۸۷	
تعداد بیت تحریمه/القلم در نسخه کابل ۹۸ است به همین نام درست است.	قصه لایخوار را پذیرد							دو مرحله	نیلاب رحیمی	تحریمه/القلم ۱۳۸۷	۲۶
عاشق بی عنایت عشق هیچ است.							تصوف عاشقانه	دو مرحله	صالحه حبیبی	عشق از نظر سنایی/ ۱۳۸۷	۲۷
عشق انسانی منهاج عشق ربانی و خمیره عرفان است.									محمدحس بن یمن	عشق از نظر سنایی و مولوی/ ۱۳۵۶	۲۸

۳.۵. منظومه فکری سنایی

برخی نویسندگان داخل منظومه فکری سنایی شده‌اند؛ یعنی تعدادی از نویسندگان با توجه به آثار سنایی و کمک آن از منظر به اندیشه سنایی پرداخته‌اند یا موضوعی را از میان دستگاه فکری سنایی توضیح داده‌اند. برخی نویسندگان با تکیه به تذکرها درباره اندیشه‌های سنایی چیزهایی گفته‌اند. در این بخش، خلاصه‌وار، به چند مورد از اندیشه‌های سنایی اشاره می‌کنیم که سنایی پژوهان افغانستان بدان توجه کرده‌اند: استاد خلیلی درباره اندیشه سنایی فقط یک بند معروف، که پیش از این نیز ذکر شد، دارد: سنایی استاد حکمت و فلسفه و نیکوداننده تفسیر، حدیث، علم رؤیا، شعرهای شعرای عرب و نیز از منجمان و اطباء دورانش بود (خلیلی، ۱۳۱۵: ۲۲).

استاد روان‌فرهادی در مقدمه مکاتیب نوشته است: سنایی اشعری بود، قرآن را کلام خدا و قدیم می‌دانست نه مخلوق خدا و صفات خدا را نیز قدیم و ازلی (مکاتیب، ۱۳۵۶: ط).
علی‌اصغر بشیر عرفان سنایی را معتدل و حد وسط عرفان خواجه عبدالله انصاری و شیخ عطار داند (بشیرهروی، ۱۳۵۶: ۶۳).

علی‌شاه روستایار در کتاب حدیقه و مثنوی روایتی مشابه با بشیر دارد و گوید که «تصوف اوحد وسط میان تصوف زاهدانه و عاشقانه است» (روستایار، ۱۳۹۲: ۴۳۷).

استاد همایون نوشته است: آنچه ابوالقاسم قشیری در رساله قشیریه و علی‌بن عثمان هجویری در کشف‌المحجوب و خواجه عبدالله انصاری در صدمیدان درباره تصوف به نثر آورده‌اند، سنایی همین برنامه را در کسوت شعر آورده است (همایون، ۱۳۸۷: ۸۱).

دوست‌محمد پروانی در مقاله «تأملی گذرا بر برخی از اندیشه‌های آموزشی سنایی» نوشته است: به باور سنایی تکامل پروسه متداوم، طولانی و پیگیر است. او باور کامل دارد که تکامل راه پرپیچ‌وخمی را طی می‌کند و این راه طولانی باید به صورت متداوم و همیشگی تعقیب شود. پایه بسیار سوی بام بلند/ تو به یک پایه چون شوی خردمند [خرسند] (پروانی، ۱۳۷۰: ۵۹). استاد همایون علم را از نظر سنایی چنین توضیح دهد: علم از نظر سنایی علم شهودی است. بهره داشتن از معارف دینی یا: علم از نظر صوفی آن که مفید یقین باشد (همایون، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

علی‌شاه روستایار در مقاله «انسان از دید سنایی» گوید: به استناد شعر سنایی هدف از وجود (آفرینش) پیدایش انسان است و خداوند مقام معرفت حقیقی را خاصه او گردانیده است (روستایار، ۱۳۸۶: ۱۷۶). در موارد عقل، اجتماع، شریعت، فضایل اخلاقی، صبر و استقامت، رنج و مشقت و درباره تحصیل علوم بیشتر از همه روستایار وارد منظومه فکری سنایی شده و از لابه‌لای شعر سنایی این موضوعات را با حوصله‌مندی کامل استخراج کرده است (روستایار، ۱۳۸۷: ۱۲۹، ۱۳۹، ۲۸۰، ۲۹۱).

آنچه آوردیم اهم مسائل و موضوعات مطرح در دستگاه فکری سنایی به تشخیص سنایی پژوهان

افغانستان بود. اکثر موضوعات را برخی امروزیان بی‌مراجعه به متن سنایی از تذکره‌نگاران یا سنایی‌شناسان قبل از سال ۱۳۵۷ نقل کرده‌اند. از سوی دیگر، در وجود سنایی علوم و فنون مطرح در قرن پنجم و ششم ته‌نشین بوده است و همه را در آثارش بیان داشته است، بنابراین هر قدر آثار سنایی کاویده شودف هنوز هم موضوعات جدید برای کشف در این آثار باقی است.

۵.۴. عشق و سنایی

درباره عشق از نظر سنایی چهار مقاله مستقل از مقاطع مختلف تاریخی در دست داریم و در رساله‌های تحقیقی نیز درباره عشق از نظر سنایی صحبت‌هایی مطابق به حجم رساله دیده می‌شود. مقاله «عشق از نگاه سنایی و مولوی» را استاد محمدحسین یمین، مقاله «معنی عشق از نظر سنایی» را استاد روان‌فرهادی، مقاله «عشق از نظر حکیم سنایی» را شازیه اسلمی و مقاله «عشق از نظر سنایی غزنوی» را صالحه حبیبی نوشته است. در همه مقالات از درد و رنج عشق یاد شده است و درد را پختگی دانند، درد را با عشق شناسند (همایون، ۱۳۸۷: ۲۳۸؛ روان‌فرهادی، ۱۳۵۶: ۴؛ حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). بیشتر سنایی‌پژوهان در الفاظ مختلف عشق سنایی را مانند زندگی‌اش به دو بخش عشق مجازی با زیرعنوان‌هایش و حقیقی با زیرعنوان‌هایش، ضمن آوردن شاهد از آثار سنایی تقسیم کرده‌اند؛ طوری که عشق مجازی را به دوره اول زندگی او و عشق حقیقی را به مرحله بعدی زندگی‌اش مرتبط می‌دانند (روان‌فرهادی، ۱۳۵۶: ۲، ۱۵؛ حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۶۵؛ یمین، ۱۳۵۶: ۶۴؛ شازیه، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

زیر عنوان «نگاه مختصری بر تحلیل و مقایسه برخی از غزلیات حضرت سنایی و حضرت مولانای بلخ»، که آقای شریف حداد در بخش اول رساله «مولوی در راه سنایی» نوشته است، گوید: عشق در همه جا محرک کارهای بزرگ است (اختر، ۱۳۹۱: ۲۰). استاد محمدحسین یمین و به دنبال آن در الفاظ مختلف برخی دیگر گویند که عشق انسانی منهای عشق ربانی و خمیره عرفان است و عشق ربانی کسی را میسر می‌شود که در راه کشف حقایق رنج ببرد و مقصود عشق سنایی و مولوی شاهد حقیقی است و این عشق ملامتی دارد و حتی آتش است (یمین، ۱۳۵۶: ۷۱؛ اختر، ۱۳۹۱: ۲۰). عبدالغفور روان‌فرهادی در کل مقاله، جز در حد دو بند، صحبت نکرده و فقط برای عنوان‌های گزیده‌اش شاهد بیت آورده است. عنوان‌های مقاله بدین صورت است: «درد را با عشق شناسند»، «سرنوشت سنایی بسته به عشق»، «قربانی در عشق»، «چشم عاشق به لقاءالله است نه بهشت» و «مقایسه حال عاشق و معشوق» (روان‌فرهادی، ۱۳۵۶: ۴، ۶، ۱۲).

در بررسی عنوانی که ذکر شد باید گفت استاد یمین بیشتر آنچه را سنایی و مولوی درباره عشق در آثارشان بیان کرده‌اند تحلیل و توضیح کرده است که مختصر آن در بالا آمد. مقاله استاد یمین با مقاله روان‌فرهادی در یک زمان نشر شده است و هر دو بدون تأثیرپذیری از یکدیگر موضوعات خود را از

شعرهای سنایی گرفته‌اند. صالحه حبیبی و شازیه اسلمی ۳۱ سال بعد (۱۳۸۷) با استفاده از مقاله‌های استاد یمین و استاد فرهادی مقاله‌های خود را در این باره نوشته‌اند. خانم حبیبی هر دو مقاله را خوانده و از آن‌ها استفاده کرده است. وی دو صفت عشق را، که یکی جذبه و کشش در عشق میان عاشق و معشوق و صفت دوم شکر کردن عاشق از داشتن نعمت عشق است، از مقاله استاد یمین با حفظ منبع نقل کرده است (صالحه، ۱۳۸۷: ۱۷۱). صالحه حبیبی از مقاله استاد روان فرهادی نیز با ذکر منبع استفاده کرده است. استاد فرهادی در مقاله‌اش، پس از عنوان‌گونه اصل‌های عاشق وارسته، بیت‌هایی از سنایی برای آن عنوان آورده است، ولی حبیبی فقط همان عنوان‌ها را از اصل‌های عاشق وارسته خلاصه ذکر کرده است؛ مانند: تحمل اندوه، درد و دشواری، ترک عزت و جاه ظاهری، پشت پا زدن به نعمت‌های دنیایی، تهی شدن از خود، جز معشوق به چیزی فکر نکردن... (حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۷۴). مقاله شازیه اسلمی گزاره‌های بیشتر ندارد و در فهرست منابع نیز از مقاله استاد یمین و روان فرهادی ذکر کرده است. با آن هم چند نکته دیده می‌شود که استاد یمین نیز در مقاله خویش آن را مطرح کرده است، استاد یمین عشق را آتش داند. اسلمی نیز عشق را با نقل از کتاب *گلگشت/دب سید محمود الهام‌بخش آتش داند* (اسلمی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). البته با قید این نکته که استاد یمین سی سال قبل از *گلگشت/دب* مقاله‌اش را نوشته است.

۶. اندکی از نکته‌های جدید سنایی‌شناسان افغانستان از لابه‌لای پژوهش‌هایشان

بیشتر نکات مهم که تا امروز تازه می‌نماید محصول همان همایش نهم‌دمین سالروز میلاد سنایی است که قبلاً درباره آن سخن رفت. چنان که گفتیم در کنار پژوهش‌های دیگر به مناسبت آن جشن، استاد غلامرضا مایل‌هروی *سیرالعباد* سنایی را تصحیح کرده است و برای غنی شدن این تحقیق مقاله‌ای درباره *سیرالعباد* از استاد سید بهاء‌الدین مجروح در اول کتاب زیر نام *سیری در سیرالعباد* گنجانیده است که مطالب این مقاله تا امروز نیز جدید می‌نماید. در این مقاله، طوری که در بالا کوتاه ذکر شد، استاد مجروح سنایی را دارای سه‌گونه شخصیت می‌داند: «سنایی بزرگ‌مردی است که سه‌گونه شخصیت جداگانه را در وجود خویش جا کرده است: وی شاعر است و هم حکیم است و هم صوفی... شخصیت سنایی ترکیب زنده این سه نوع سجایاست؛ اما در طول حیات وی این ترکیب به یک حال متوازن و ثابت باقی نمانده است و هر یکی از این جوانب به نوبه خود جوانب دیگر را تحت شعاع قرار داده است» (مایل‌هروی، ۱۳۹۱: ۲۱). قبل از سال ۱۳۵۶ کسی سنایی را دارای سه نوع شخصیت؛ مانند بیان استاد مجروح، نگفته است؛ اما پس از سال مذکور، دانشمندان دیگر سنایی را دارای سه‌گونه شخصیت گفته‌اند. در سال ۱۳۷۵، استاد کدکنی در مقدمه *تازیانه‌های سلوک* نوشته است: از تورق دیوان سنایی به سه ساحت یا قطب زندگی ادبی سنایی پی می‌بریم؛ طوری که قطب تاریک وجود او سنایی مداح و مدار خاکستری زندگی ادبی او سنایی واعظ و ناقد اجتماعی و قطب روشن آن سنایی قلندر و عاشق را می‌نمایاند (کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۵).

سرور همایون، استاد سابق دانشگاه کابل، در کتاب حکیم سنایی و جهان بینی او که پیش ذکرش رفت، در ضمن موضوعات دیگر از میان همه سال‌های پیشنهادی برای وفات سنایی ۵۴۵ را دقیق می‌داند و دلایل آن را چنین تذکر می‌دهد: در زمان بهرام در غزنی پسر عزالدین، قطب‌الدین، از غور به غزنی آمد و شوهر دختر بهرام‌شاه شد و چندی بعد توسط زهر در حوالی ۵۴۳ از میان رفت. برادرش، سیف‌الدین سوری، به خاطر انتقام، مطابق روایت تاریخ فرشته جمادی‌الاول ۵۴۳، به غزنی حمله و این شهر را تصرف کرد (همایون، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲). بهرام به هند فرار کرد. زمانی که بهرام به کمک قشون حسین بن ابراهیم علوی امیر هندوستان با سپاه سوری به حواله ابن اثیر در ۵۴۴ ق مقابل شد، سوری گرفتار و با سید ماهیانی (نه ماهیانی اصلاً بامیانی) که مراد سیدمجدالدین موسوی بامیانی است به دار آویخته شد. این خبر به غور رسید. اول سیدبهاء‌الدین محمد سام به خون‌خواهی آمد که در گیلان (پهلوی مفر) به مرض چیچک (آبله) درگذشت. استاد همایون گوید که ذکر جنگ دوبرادر شاهان غوری که مصادف به سال‌های ۵۴۳ و ۵۴۴ است، در دیوان سنایی و حدیقه آمده است (همان). بیت‌های مورد نظر در دیوان چاپ مدرس چنین است:

چو شار و چو شیرم به لاف و به دعوی ولیک از صفت چون اسیران غورم

(مدرس، ۱۳۸۸: ۳۷۳)

در حدیقه ذکر این واقعه:

تیغ بهرام‌شاه بن مسعود خصم را دان چو آتش نمرود
باغیان را ز بیم بر لب چاه شده از بیم چرخ و ناوک شاه
چه بزرگ و چه خرد باغی غور چه فراز و چه باز دیده کور

(یا حقی؛ زرقانی، ۱۳۹۷: ۳۲۸)

در بیت‌های یادشده، باغیان غور ذکر همین دو برادر شاهان غوری با سپاهشان منظور نظر است که سال آن قبلاً ذکر شد و در بیت حدیقه کلمه کور به قطب‌الدین حسین بن محمد غوری اشاره دارد که در یکی از جنگ‌ها کور شده بود (همایون، ۱۳۸۷: ۲۴). طبق نظر استاد همایون، اگر تاریخ‌های ذکر شده مثل ۵۲۵، ۵۲۹ و ۵۳۵ را تاریخ وفات سنایی بدانیم، با این بیت‌های مورد استناد استاد همایون، درست نمی‌آید. استاد همایون گوید: «نویسنده این سطور سال وفات سنایی را ۵۴۵ می‌داند.» و بعضی دلایل را قبلاً در بحث بهرام نوشتیم. آخرین دلیل اینکه با استفاده از کتاب:

The Muslim and Christian Calendars' G.S.P.Freeman-Grenville. 1963

به این نتیجه رسیدم که یازدهم شعبان ۵۲۵ یکشنبه نبوده، چهارشنبه بوده است و غره‌اش یکشنبه بوده در سال ۵۳۵ یازدهم شعبان یکشنبه نبوده پنجشنبه بوده و غره‌اش دوشنبه بوده و سال ۵۲۹ یازدهم شعبان یکشنبه بوده است. در سال ۵۴۵، یازدهم شعبان یکشنبه بوده است. از میان چهار تاریخ

۵۲۵ و ۵۳۵، یازدهم شعبان یک‌شنبه نبوده است، پس رد است و سال ۵۲۹ قبلاً گفتیم که به دلایل تاریخی درست نمی‌آید. بنابراین، تا پیدا شدن اسناد موثق سال ۵۴۵ را سال وفات سنایی می‌دانیم (همایون، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۵).

بشیره‌روی در رساله سیری در ملک سنایی نام «حسن» را برای سنایی نمی‌پذیرد، بلکه گوید نام پسر خواجه حسن اسعدی هروی محدود بوده است که سنایی وی را «همنام رهی» یعنی همنام خود می‌خواند (رک: سیری در ملک سنایی پس از صفحه ۴). امیرمحمد اثیر در مقاله «آرامگاه خانواده سنایی» خویش آرامگاه‌های پدر و مادر و پسر سنایی به اسم مظفر احسان و دختران سنایی هریک به اسم بی‌بی‌نوری و بی‌بی‌حوری با کمک گرفتن از کتاب *ریاض‌السواح* شیخ محمدرضا در سال‌های ۱۳۵۵ و قبل از آن مشخص کرده است (نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۵).

استاد عشرتی غزنوی در شرح حدیقه خود از ملاقات مولانا جلال‌الدین بلخی با محیی‌الدین بن عربی، با استناد کتاب *رجال‌الفکر والدعوة* شیخ ابوالحسن علی‌بن‌علی‌الحسینی ندوی، خبر می‌دهد: «حضرت مولانا وقتی در سال ۶۳۰ ق از حلب وارد دمشق می‌شود، در مدرسه المقدسیه اقامت اختیار می‌کند. در همین مدرسه است که با شیخ محیی‌الدین بن عربی، شیخ سعدالدین حموی، شیخ عثمان رومی، شیخ اوحدالدین کرمانی و شیخ صدرالدین قونیوی مجالسی دارند» (عشرتی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۱). درباره ملاقات ابن عربی و مولانا استاد کدکنی در کتاب *زبان شعر در نثر صوفیه* اظهار بی‌خبری کرده است. عشرتی در باره حدیقه گوید:

«بند معتقد است که حضرت امام‌العارفین بعد از تحول دارای چهار بعد است که سه بُعد آن را در نام *حدیقه‌الحقیقه* و *شریعه‌الطریقه* خلاصه کرده است و چهارمی ایشان کرامت و خرق عادات است. به این ترتیب، بعد شرعی، بعد طریقت و سلوک و بعد حقیقت که بعد در طی مدارج سلوک برای ایشان حاصل می‌شود. بعد کرامات و خرق عادت» (عشرتی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۹).

تا حال همه پژوهشگران، برخی با تردید و بعضی بی‌گمان، ابویعقوب یوسف همدانی را پیر و مرشد سنایی دانند؛ اما چنان‌که اشارت رفت، استاد محمدرور مولایی در مقاله «آل حداد یا خاندان حدادی غزنوی» در روشنی تفسیر شش قصیده، یک رباعی، یک ترجیع‌بند، یک قطعه و دو مرثیه سنایی درباره ابویعقوب یوسف بن احمد بن محمد بن حدادی و پسرش احمد بن یوسف و ابوبکر محمد بن احمد ثابت کرده است که سنایی مرید ابویعقوب یوسف، نه بلکه مرید علاء‌الدین ابی‌یعقوب یوسف بن احمد بن محمد الحدادی‌الشالنگی یا پسرش ابوالمعالی احمد بن یوسف بن احمد بن محمد الحدادی‌الشالنگی است (مولایی، ۱۳۹۲: ۳۱۳).

۷. نتیجه

گسترگی و گوناگونی موضوع در سخن سنایی این را می‌رساند که کارهای انجام‌شده درباره سنایی در حوزه ادب فارسی، به‌ویژه در افغانستان، بسنده نیست؛ یعنی جای بسیاری از پژوهش‌های ضروری بایسته، پیرامون ادب و عرفان سنایی خالی است؛ اما کارهای انجام‌شده نیز می‌تواند در مجالی بیش از یک مقاله نقد شود. ما در این مقاله فقط توانستیم ضمن تقدیم مقدمه‌ای از تاریخ سنایی‌شناسی در افغانستان، شمه‌ای از دیدگاه‌های سنایی‌پژوهان افغانستان را درباره سنایی و آثارش و برخی نکات جدید را از میان تحقیقات آن‌ها تقدیم کنیم. در این دوره ۸۵ ساله (۱۳۱۵-۱۴۰۰) بیشترین نکات بکر را در سخن این استادان می‌توان دید:

استاد مجروح در مقاله‌ای که در آغاز *سیرالعباد* تصحیح استاد مایل نوشته، همه مقاله تا امروز جدید می‌نماید. استاد همایون در «حکیم سنایی و جهان‌بینی او» بیشترین نکات تاریخی را درباره غزنی و سنایی گفته است که در تحقیقات دیگران تا امروز دیده نمی‌شود. علی‌اصغر بشیر در رساله سیری در ملک سنایی هم وارد دستگاه فکری سنایی شده و هم نکاتی را درباره زندگی سنایی ارائه کرده است که تا امروز درخور اهمیت است. کسی که در افغانستان بیشتر از همه درباره سنایی کار کرده، سیدعلی شاه روستایار است وی دو کتاب *جهان بی‌انتهایا*، *حدیقه و مثنوی* - و چند مقاله درباره سنایی نوشته است. در پژوهش دیگر، کتاب‌های ذکرشده بررسی همه‌جانبه شده است.

اوج سنایی‌شناسی در افغانستان سال ۱۳۵۶ است؛ به دلیلی که در این سال همایشی به مناسبت نهمصدمین سالروز میلاد سنایی در افغانستان به سویه جهانی برگزار شد و ارزشمندترین پژوهش‌ها محصول همایش همین سال است و عمدتاً نوشته‌ها در محور زندگی ادبی سنایی و آثارش و تصحیح آثار سنایی می‌چرخید. به این سبب است که ما سال ۱۳۵۶ را مرکز ثقل سنایی‌شناسی گوییم.

بیشترین موضوعاتی که سنایی‌شناسان به آن علاقه دارند، زندگی‌نامه سنایی است. در میان پژوهش‌های سنایی‌شناسان افغانستان، بیشترین نوشته‌ها به *سیرالعباد* اختصاص دارد. سه تصحیح با شرح از *سیرالعباد* و پنج مقاله درباره آن در اختیار داریم. پس از آن، بیشتر نوشته‌ها درباره *طریق‌التحقیق* است. سه مقاله در انتساب *طریق‌التحقیق* به سنایی داریم که در هر سه نظر احمد آتش و بو او تاس مینی بر عدم انتساب آن به سنایی رد شده و در این سه اثر درباره انتساب آن به سنایی و چند و چونی و مشابهات این اثر با دیگر اثرهای سنایی بحث شده است.

واپسین سخن این در تصحیح دیوان و *حدیقه سنایی* باید به لهجه فارسی افغانستان به‌ویژه غزنی، که در *حدیقه* مشهود است، توجه شود. در شرح *حدیقه* نیز اگر هزار بیت شرح‌شده توسط استاد عبدالاحد عشرتی غزنوی دنبال شود و به سامان برسد، برای سنایی‌دوستان و سنایی‌شناسان بسیار سودمند و مغتنم است.

منابع

- آتش، احمد (۱۳۵۵). «سنایی»، ترجمه قیام‌الدین راعی، مجله ادب [مجله علمی پژوهشی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل]، س نشراتی ۲۴، ش ۳، ص ۴۲-۶۲.
- اثیر، امیرمحمد (۱۳۹۲). «آرامگاه پدر و مادر و فرزندان سنایی»، در مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ۷۵-۶۵.
- اسلامی ندوشن، علی محمد (۱۳۸۴). *از رودکی تا بهار*، تهران: نغمه زندگی.
- اسلمی، شاذیه (۱۳۸۷). «عشق از نظر سنایی»، مجله پیام معرفت، سال نشراتی (۰)، ش ۳ و ۴، ص ۱۵۰-۱۵۸.
- بشیرهروی، علی اصغر (۱۳۵۶). *سیری در ملک سنایی*، کابل: چاپ بیهقی، ناشر وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- _____ (۱۳۹۲). «ارتباط سنایی با رجال معاصر وی»، در مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۸۸-۷۶.
- بورگل، یوهان کریستوف (۱۳۹۲). «علم نفس و علم نجوم در سیرالعباد»، در مجموعه نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۱۸۳-۱۹۳.
- بو اوتاس (۱۳۹۲). «تاریخ وفات سنایی»، در مجموعه نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۲۱۹-۲۲۷.
- پروانی، دوست محمد (۱۳۷۰). «تأملی گذرا و شتابنده بر برخی از اندیشه‌های آموزشی سنایی»، مجله عرفان [مجله علمی پژوهشی دوماهه وزارت معارف افغانستان]، سال نشراتی ۶۹، ش اول، ص ۶۸-۵۶.
- پنجشیری، غلام‌صفر (۱۳۵۶). *تأثیر قرآن در دیوان سنایی*، کابل: ناشر دانشگاه کابل.
- جلالی، غلام‌جیلالی (۱۳۳۲). *مجموعه چهار کتاب نایاب (عشق‌نامه، عقل‌نامه، بهرام و بهروز، کارنامه بلخ)*، غزنی: مطبعة سنایی.
- حیبی، عبدالحی (۱۳۵۶). *حقیقه الحقیقه سنایی (گزیده)*، کابل: چاپ بیهقی، ناشر وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- _____ (۱۳۹۲). «وفات سنایی»، در مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۱-۲۵.
- حیبی، صالحه (۱۳۸۷). «عشق از نظر سنایی»، مجله خراسان [مجله مطالعات زبان و ادبیات انستیتوی زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان]، س ۲۸، دوره ۳، ش ۷۸-۷۹، حمل-سرطان، ص ۱۶۴-۱۷۶.
- خلیل‌الله خلیلی (۱۳۱۵). *احوال و آثار حکیم سنایی*، کابل: بیهقی.
- _____ (۱۳۳۸). *درباره یک نسخه قدیمی کلیات حکیم سنایی*، کابل: نشر و چاپ ریاست تألیف و ترجمه وزارت معارف.
- خدمتگار، عبدالله بختانی (۱۳۶۱). «انعکاس عصر و محیط در اشعار سنایی»، مجله عرفان [مجله علمی پژوهشی دوماهه وزارت معارف افغانستان]، سال نشراتی ۶۰، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۲۳.
- روان‌فرهادی، عبدالغفور (۱۳۵۶). *معنی عشق از نظر سنایی*، کابل: چاپ مطبعة دولتی، نشر مستقل.
- روستایار، سیدعلی شاه (۱۳۸۷). *جهان بی‌آنها (اندیشه‌های عرفانی حکیم سنایی)*، کابل: بیهقی.

- _____ (۱۳۹۲). حدیقه و مثنوی (نگرشی مقایسه‌ای بر حدیقه و مثنوی)، کابل: چاپ مطبعه احمد، انتشارات.
- _____ (۱۳۸۷). «تحول فکری در شخصیت سنایی»، مجله خراسان [مجله مطالعات زبان و ادبیات انستیتوی زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان]، س ۲۸، دوره ۳، ش ۷۹-۷۸، حمل سرطان، ص ۷۷-۹۳.
- _____ (۱۳۸۴). «سنایی و معرفت حقایق»، مجله خراسان [مجله مطالعات زبان و ادبیات انستیتوی زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان]، دوره ۳ (۶۰)، ش اول، حمل و ثور، ص ۸۱-۹۶.
- _____ (۱۳۸۶). «انسان از دیدگاه حکیم سنایی»، مجله نامه پارسی، س ۱۲، ش اول و دوم، بهار و تابستان، ص ۱۷۵-۱۹۰.
- رهبین، محمدافسر (۱۳۹۸). دگرگونی غزل در اندیشه‌گاه سنایی، کابل: بی‌نا (چاپ نشده).
- سکار چیا (۱۳۹۲). «خطاب به باد در آغاز سیرالعباد»، در مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۱۷۵-۱۸۲.
- سلیم‌اختر (۱۳۹۱). مولوی در راه سنایی، ج ۲، کابل: خراسان.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). تذکره الشعرا (به اهتمام ادوارد براون)، تهران: اساطیر.
- شریفی، محمدفاضل (۱۳۸۷). «زیست‌نامه حکیم سنایی»، مجله خراسان [مجله مطالعات زبان و ادبیات انستیتوی زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان]، س ۲۸، دوره ۳، ش ۷۹-۷۸، حمل سرطان، ص ۱-۱۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۷). تازیانه‌های سلوک، ج ۱۸، تهران: آگه (چاپ نخست ۱۳۷۲).
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). سبک‌شناسی شعر، ج ۶ تهران: فردوس.
- شهرستانی، شاه‌علی‌اکبر (۱۳۹۲). «طریق‌التحقیق و آثار دیگر سنایی»، در مجموعه مقاله‌های نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۱۰۴-۱۱۵.
- عالمی، غلام‌غوث (۱۳۹۲). «ضرورت باز یافتن دیوان حکیم سنایی»، در مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی سال ۱۳۵۶ [مهمتم عبدالحمید نبی‌زاده]، کابل: بیهقی، ص ۴۱-۵۱.
- عشرت‌غزنوی، عبدالاحد (۱۳۹۸). شرح حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه، ج ۳، کابل: چاپ رستم، ناشر کمیته علمی و فرهنگی شورای اجتماعی غزنه.
- عطار، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۹۵). منطق‌الطیر (مقدمه، تصحیح و تعلیقات شفیع کدکنی)، ج ۱۵، تهران: سخن.
- قویم، عبدالقیوم (۱۳۸۹). مجموعه مقالات در زمینه شعر عرفانی فارسی دری، کابل: سعید.
- مایل‌هروی، غلامرضا [ویراستار] (۱۳۹۱). سیرالعباد الی‌المعاد سنایی (مهمتم و ویراستار چاپ دوم سیدعلی محمد اشراقی)، کابل: کاروان (چاپ نخست ۱۳۵۶).
- مولایی، محمدسرور (۱۳۹۴). «آل‌حداد یا خاندان حدادی غزنوی»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی غزنه و زبان و ادب فارسی [زیر نظر محمددبیر مقدم]، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۱۳-۳۵۳.
- نذیراحمد (۱۳۵۶). مکاتیب سنایی، کابل: ناشر دانشگاه کابل (چاپ نخست ۱۹۶۲).
- همایون، غلام‌سرور (۱۳۸۹). حکیم سنایی و جهان بینی او، ج ۲، کابل: چاپ مطبعه آزادی، بیهقی (چاپ نخست ۱۳۵۶).

یاری گلدره، سهیل و دیگران (۱۳۹۲). «تحلیل تقابل و تضادهای واژگانی در شعر سنایی»، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های عرفانی (گوهر گویا)، س ۷، ش ۲ (پیاپی ۲۵)، پاییز و زمستان، ص ۱۴۱-۱۵۸.

یمین، محمدحسین (۱۳۵۶). «عشق از نگاه حکیم سنایی و مولوی بلخی»، مجله ادب [مجله علمی پژوهشی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل]، سال نشراتی ۲۵، ش ۳، ص ۶۳-۷۵.

_____ (۱۳۸۷). «اعداد و نمادها در سیرالعباد حکیم سنایی»، مجله خراسان [مجله مطالعات زبان و ادبیات انستیتوی زبان و ادب دری آکادمی علوم افغانستان]، س ۲۸، دوره ۳، ش ۷۹-۷۸، حمل سرطان، ص ۴۶-۵۶.